



# هَمَزًا بِالْأَمِّ لَيْسُ

# حج

## پایگاه انقلاب جهانی اسلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ

يَأْتِيكَ مِنْ كُلِّ فَيْحٍ غَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...

«به ابراهیم خلیل خطاب میشود که مردم را به حج بخوان تا برای شهود منافع خود از همه اقطار بیایند، این منافع، منافع جامعه است: منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی...».

(پیام امام بمناسبت عید قربان- ۶۲/۶/۱۲).

«و از جمله وظائف در این اجتماع عظیم دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و دفع اختلافات بین

طبقات مسلمین است...».

(پیام امام به زائران بیت الله الحرام- ۵۸/۷/۷).

«حجی که خدای تبارک و تعالی می خواهد و حجی که اسلام از ما خواسته است آن است که وقتی می روید حج، مسلمین بلاد را بیدار و با هم متحد کنید.».

(از بیانات امام در دیدار با روحانیون کاروانها- ۶۲/۵/۲۶).

### جامعیت حج

در میان عبادات اسلامی اگر جستجو کنیم شاید بتوانیم عبادتی را بیابیم که عفتِ نسیب آن تنها تنظیم رابطه فرد با آفریدگار جهان، رابطه عاشق با معشوق، و تنها نتیجه اش ثواب آخرت و بهشت و یا بالا تر لقاء حق باشد بدون کمترین تأثیری در جامعه و ابعاد مختلف آن، لیکن در میان همین عبادات نمی توان انکار نمود که «حج» از بزرگترین عباداتی است که از جامعیت کاملی برخوردار می باشد یعنی دنیا و آخرت، فرد و اجتماع، ظاهر و باطن، عرفان و سیاست، عشق و فناء فی الله، جهاد و ایثار همه و همه را یکجا در خود جا داده است نیز می توان ادعا کرد که در عین شمول و فراگیری نسبت به همه ابعاد زندگی یک امت واحد نیرومند بعضی از ابعاد آن بر سایرین غلبه دارد.

«فریضه حج در بین فرائض الهی از ویژگی های خاصی برخوردار است و شاید جنبه های سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه های دیگرش غلبه داشته باشد با آنکه جنبه عبادی نیز ویژگی خاصی دارد... علماء اعلام و خطبای معظم مسلمانان را به جهات و وظائف بسیار خطیرشان آگاه سازند.».

(پیام امام بمناسبت حج- ۶۰/۶/۱۵).

«بعد عبادی حج که از آغاز آن یعنی محرم شدن تا پایان مناسک سراسر عبادت است و باید با قصد قربت و اطاعت فرمان خدا باشد هر چند که بیشتر از هر جنبه دیگرش مورد توجه مسلمانان است و برای فراگیری مناسک آن و احکام هر جزه اش سعی فراوان میشود و گاهی در انجام آن تا حد وسواس دقت بکار می رود ولیکن این عبادت بزرگ از آنجنان محتوای عظیم عرفانی و روحانی برخوردار است که جز بندگان خاص آن معبود مطلق و عاشقان رازدار آن معشوق حقیقی دیگران از آنهمه اسرار و اشارات محروم و مهجورند و هر چند که هر مسلمانی که توفیق حضور در آن اماکن و مواضع مقدسه را پیدا می کند سعی در انجام مکرر طواف و سعی و نماز و عبادت در مسجد الحرام و با حرم



# حج برای قیام ناس و اخوت و مودت بین مسلمین است، حقیقت حج این است که شما بروید مردم را ببینید.

امام خمینی

پس چه بسا که این منافع غیر از ثواب الحُرُوی است و تردیدی نیست که حج اگر آنچنان که اسلام خواسته است و آنچنان که بت شکنان تاریخ و پرچمداران توحید از ابراهیم خلیل الله علیه السلام تا محمد حبیب الله صلی الله علیه و آله و سلم انجام داده اند برگزار شود، نفع سیاسی اش محسوستر و چشمگیرتر و فوریت و شاملتر از هر نفع دیگری است که بر حج مترتب است:

«به ابراهیم خلیل خطاب میشود که مردم را به حج بخوان تا برای «شهود منافع» خود از همه اقطار بیایند این منافع جامعه است: منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (پیام امام بمناسبت عید قربان- ۶۲/۶/۱۲).

«... و حج از مسائلی است که جنبه سیاسی اش بسیار بیشتر است از جنبه های عبادی اش و شما آقایان که انشاء الله با سلامت مشرف می شوید باید توجه به این معنا داشته باشید و این فکر استعماری را که در مغز بسیاری از حتی روحانیون ممالک اسلامی گنجانی شده است از زاله کنید در صحبت هایتان، در اجتماعاتتان به آنها بگویند که اسلام وضعش این نیست که تا کتون ماها داشته ایم که مسلمین بیایند در حج و فقط چند مرتبه دور خانه مبارک بگردند و بعد هم وقوف وجه وجه و هیچ کار نداشته باشند که مستکبرین بر مردم دنیا و مسلمین چه میکنند بی تفاوت باشند...»

(از بیانات امام در دیدار با روحانیون کاروانها- ۶۲/۵/۲۶).

و حقیقت سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: «ما اکثر الضحیح و اقل الححیح» همین بود که چون اکثریت آن حج گزاران از مهمترین مسگه سیاسی جهان اسلام یعنی مسگه ولایت و رهبری غافل بودند حج آنان فاقد محتوی و حقیقت بود و در واقع حج نبود صرف یک سلسله اعمال خشک و بی محتوی بود. و با یک قیاس خلف روشن می شود که حج واقعی، آن حجی است که دارای منافع سیاسی عظیم و مشهود برای جهان اسلام باشد زیرا حجی که قرنها برگزار می شد و در افعال و اجزاء آن نقصی نبود و حج گزاران نیز اکثریت با قصد خالص و بمنظور اطاعت فرمان خدا متاسک حج را بجا می آوردند تأثیری مشهود در سرنوشت مسلمین نداشت و آنان را از تحت سلطه دشمنان اسلام و سردمداران کفر و ظلم و شرک نجات نمیداد چون فاقد محتوی سیاسی بود و در صورتیکه حج با محتوی سیاسی اش برگزار شود مسلمین شاهد منافع واقعی خواهند بود که سرّ تشریح حج در آنهاست.

پیامبر و زیارت آن مرفد شریف را دارد و هر چه غفلت از این عبادات شود موجب حسرت و حرمان است ولیکن هنوز هم این بعد حج مهجور است و آنچنان که باید با شناخت کافی از این عبادت متاسک آن انجام نمیشود ولیکن:

«از همه ابعاد آن مهجورتر و مورد غفلت تر بعد سیاسی این متاسک عظیم است که دست خیانتکاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود».

(پیام امام بمناسبت عید قربان- ۶۳/۶/۷).

«اگر حج را با آن سیاستی که از طرف اسلام در آن بکار رفته است پیدا کنند کافی است برای این که استقلال خودشان را پیدا کنند...».

(از بیانات امام در دیدار با دانشجویان عربستان- ۵۸/۸/۱۱).

## علت تشریح حج

قرآن کریم در علت تشریح حج که ابراهیم بت شکن، ابراهیم قهرمان مبارز و پرچمدار توحید، شیخ الانبیاء علیه و علیهم السلام را مأمور اعلام آن میکند تا همه مردم را از سراسر جهان برای برگزاری آن دعوت نماید میفرماید: «لیشهدوا منافع لهم...» برای اینکه مشاهده کنند منافع را که برای آنان است و بعد است مقصود از منافع که با لفظ جمع آمده است منافع از جنس و با نوع واحد باشد و شاید تعبیر جمع اشاره به منافع حج در ابعاد مختلف است که از مهمترین آنها منافع در بعد سیاسی است.

«یکی از فلسفه های بزرگ حج بعد سیاسی اوست که دست های جنایتکار از همه اطراف برای کوشیدن این بعد در کار هستند و تبلیغات دامنه دار آنها مع الاصف در مسلمین هم تأثیر کرده است که بسیاری از مسلمین سفر حج را یک عبادت خشک خالی بدون توجه به مصالح مسلمین میدانند حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است اهمیت بعد سیاسی اش کمتر از بعد عبادی اش نیست. بعد سیاسی علاوه بر سیاستش خودش عبادت است».

(از بیانات امام در دیدار با روحانیون کاروانها- ۶۲/۵/۲۶).

کلمه «لیشهدوا» غالباً در مواردی بکار برده میشود که مشهود از امور محسوس به چشم است و شاهدهی است بر اینکه منافع مورد نظر باید آنچنان آشکار باشد که در همان حج برای برگزار کنندگان قابل حس و رویت باشد



## کعبه و مشاعر را محل قیام و شورش جبهه توحید و موحدین عالم در برابر جبهه شرک و کفر قرار دهیم.

آیه الله العظمی منتظری

### تاکید بر وحدت مسلمین

امام که احیاء کننده حج و خصوصاً بعد سیاسی آن در این زمان است در میان همه مسائل مورد نیاز مسلمین بیش از هر چیز بر مسئله وحدت تکیه نموده و تحقق این ضرورت حیاتی را از حج و از برگزار کنندگان آن در ایام حج انتظار دارند امام در اکثر قریب به اتفاق پیامها و سخنانشان که در رابطه با حج عنوان نموده اند بر وحدت مسلمین و پرهیز از هرگونه تفرقه و ایجاد اختلاف تأکید فراوان نموده اند:

«و از جمله وظائف در این اجتماع عظیم دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که خطبها و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند و کوشش کنند در بوجود آوردن جبهه مستضعفین که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار «لا اله الا الله» از تحت اسارت قدرت های شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند...».

(پیام امام به زائران بیت الله. ۵۸/۷/۷).

امام چون ایجاد وحدت و رفع اختلاف را از مهمترین اسرار تشریح حج میدانند لهذا معتقدند که غلبه بر این مشکل که مادر سایر مشکلاتی است که برای جهان اسلام پیدا شده است باید در حج تحقق پیدا کند:

«مشکل مسلمین همین است که بینشان اختلاف انداخته اند... این مشکلی است که در روز عید و در روز عرفة در پناه خانه خدا باید حل بشود سران قوم در مکه معظمه مجتمع شوند و امر خدای تبارک و تعالی را اطاعت کنند و در آنجا اجتماع کنند و مشکلات خودشان را با هم در میان بگذارند و بر آنها غلبه کنند...».

(از بیانات امام در دیدار سفراء کشورهای اسلامی - ۵۹/۷/۲۸).

تعقیق در تشریح مناسک حج و وجوب آن برای همه کسانی که توانائی حضور در آن مشاهد معظمه را دارند و تعیین زمان واحد برای همه آنان و لزوم اطاعت مردم که بطور اجتماع آن مناسک را انجام میدهند: «افيضوا من حيث افاض الناس» همه بیان این حقیقت است که هدفی در این اجتماع و کنگره عظیم نهفته است که بدون تحقق آن این اعمال کالبدی بی جان

امام در اهمیت بعد سیاسی حج و لزوم رعایت آن معتقدند که شرط قبول حج این است که همراه با ابعاد سیاسی آن برگزار شود و حج بدون این بعد قبول نمی شود بلکه صورتی بی معناست و حتی حج نیست زیرا اعمالی که بقصد انجام یک عبادت آورده میشود در صورتی مصداق آن عبادت است که آن اعمال آنچنان که خداوند خواسته است آورده شود نه آنچنان که شیطان می خواهد که شیطان نه تنها ترک یک عبادت را می خواهد بلکه گاهی عبادت بی محتوی را بیشتر می پسندد زیرا که هم نیروها هدر میرود و هم مقصود اسلام تحقق نمی یابد و برگشتن گمراه از بیراهه به راه حق بسی مشکلتر است از طی طریق حق برای کسی که هنوز وارد راهی نشده است «جاهل متک» که پیامبر فرمود پشت مرا شکست کسی است که عبادتی را انجام می دهد اما نمی داند که چه میکند و چگونه باید آن عبادت را انجام دهد که نه تنها ثوابی ندارد بلکه پشت نهضت و انقلاب و اسلام و رهبری آنرا می شکند، زیرا این عبادت بدون رعایت شرائط آن و فاقد روح و محتوی برای عبادت کننده جاهل بر اثر تکرار و عادت و تبلیغ شیاطین جنان می شود که عبادت کننده را کم کم از محور رهبری دور می سازد و بتدریج وارد در خطی و راهی مقابل خط رهبری می گردد و در مقاطع حساس و سرنوشت ساز حرکت و انقلاب، رودرروی رهبر و انقلاب می ایستد و وسوسه های شیطانی هم این مقابله را برای وی توجیه می کند بطوریکه هم خود را مسلمان و پیرو رهبر می داند و هم مقابله و رودرروی با رهبری را جایز می شمارد: «انقصم ظهري رجلا ن: عالم متهنک و جاهل متتنک». که تفسیر کافی برای این سخن دردآلود رهبری را مجال دیگر لازم است:

«حج از مسائلی است که جنبه سیاسی اش بسیار بیشتر است از جنبه های عبادی اش... مسلمین باید در حج وقتی که می روند یک حج زننده یک حج کوبنده یک حجی که محکوم کننده این شوروی جنایتکار و آن آمریکای جنایتکار باشد انجام دهند یک همچو حجی حج مقبول است اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم بلکه برخلاف مصالح مسلمین می روی جنایتها پرده پوشیم نگذاریم مسلمین صحبت بکنند از جنایتهائی که بر مسلمین می گذرد و جنایتهائی که از حکومتها و از قدرتهای بزرگ بر مسلمین می گذرد این حج نیست این یک صورت بی معناست».

(از بیانات امام در دیدار با روحانیون کاروانها. ۶۲/۵/۲۶).



## من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد جهان می‌دهم وازان می‌خواهم که به شیعیان با چشم برادری عزیز نگاه کنند و با این عملشان همانند همیشه نقشه‌های شوم اجانب را خشتی کنند.

امام خمینی (۵۹/۶/۲۱)

وتذهب ریحکم».

(پیام امام بناسبت روز عرفه - ۵۸/۸/۳۰).

گویی که اساساً حج برای بهم پیوستن مسلمان و آموزش هماهنگی و هدف گیری واحد و حرکت و اطراق و بازمه کوچ کردن، حرکت و کوچ در روزه، در شب، درنگ و ایستادن و اردو زدن در روزه، در شب، آماده شدن، مسلح شدن، حمله کردن و ایثار نمودن، اما همه اینها در حال بهم پیوستن و حتی دعا و راز و نیاز در حال اجتماع و بهم پیوستن.

«ای زائران خانه خدا در مواقف و مشاعر الهی به هم

پیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و

مستضعفان جهان را بخواهید».

(پیام امام بناسبت روز عرفه - ۵۸/۸/۳۰).

امام خمینی که وحدت و کاربرد آن را از قرآن و سنت بعنوان یک فقیه و اعلام شناس استنباط کرده بود در مسیر مبارزاتش علیه ستم و طاغوتیان کاربرد عملی آن را نیز آزمود بطوریکه همیشه یکی از ارکان اصلی پیروزی را وحدت کلمه ملت ایران می‌داند

«رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام وحدت کلمه و قوت

ایمان بود...»

به هنگامی که امام از یاری انقلاب را هدایت می‌نمودند به اطلاع ایشان

رساندم که بعضی از گروهها برای رسیدن به پیروزی مبارزه مسلحانه را پیشنهاد مینمایند و معتقدند که بدون مبارزه مسلحانه و تنها با تظاهرات و اعلامیه، شاه و رژیم شاهنشاهی سرنگون نخواهد شد! امام در پاسخ فرمودند: «برای بیرون کردن شاه نیاز به مبارزه مسلحانه نیست مبارزه مسلحانه برای کارهای بزرگتر لازم است و اگر ما موفق شویم که فقط علماء ایران را متحد کنیم که همه یکصدا بگویند که شاه باید برود و بر این کلمه واحده متفق شوند، شاه ساقط میشود» و امام افزودند که چنین شد و در حقیقت شاه آنروزی ساقط شد که اولین اعلامیه عدم مشروعیت رژیم شاهنشاهی و سلطنت شاه اعلام گردید و امام در پاسخ اضافه نمودند که مبارزه مسلحانه و حمله به نیروهای نظامی و انتظامی از ناحیه مردم و با اسلحه مشروعیت مبارزه را در افکار عمومی دنیا ازین می‌برد زیرا در همه دنیا پذیرفته شده است که اگر به نیروی مسلح حمله شد لازم است که از خود دفاع نماید ولیکن امروز رژیم شاه محکوم است چرا که همه دنیا می‌بیند مردم در خیابانها راه می‌روند و خواسته خود را اعلام میکنند و این رژیم شاه است که پاسخ مردم و شعارهایشان را با گلوله می‌دهد و... امام که سلاح وحدت را از هر سلاح دیگری کارآمدتر می‌داند و کاربرد آنرا قطعی تر و موثرتر میشناسد در فرصتی ملتها را به این

خواهد بود و آن وحدت و اتحاد است. حج افراد و آحاد مسلمین را از بلاد مختلف و از نژادهای گوناگون با فرهنگها و زبانهای بیگانه از هم، مجتمع میسازد و لحظه لحظه آن از محرم شدن که آغاز دور ریختن تشخصات فردی و قومی و محلی است تا طواف بر گرد یک محور و تا «رمی» و هجوم و حمله به یک دشمن؛ همه تفسیر و بیان این حقیقت است که باید مسلمین متحد شوند بر یک هدف و مقصد واحد و اطاعت از یک فرمان و فرمانده و حمله بر یک دشمن که همان دشمن اصلی است و هر که در جبهه دشمن اصلی است. در حج یک آهنگ وجود دارد و آن آهنگ وحدت و هماهنگی است:

«رمز تمام گرفتاریهای کشورهای اسلامی اختلاف

کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی

وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است که خداوند

تعالی در یک جمله بیان فرموده است: واعتصموا

بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا... اعتصام به حبل الله بیان

هماهنگی جمیع مسلمین است برای اسلام و به سوی

اسلام و برای مصالح مسلمین و گریز از تفرقه و جدائی

و گروه گرائی که اساس همه بدبختیها و

عقب افتادگی هاست».

(پیام امام به زائران بیت الله - ۵۸/۷/۷).

امام با نگاهی فقیهانه به زرفای احکام و واجبات الهی و دقتی جامعه شناسانه در مناسک حج و جامعیت این عبادت بزرگ اسلامی، غیر ممکن میداند که اسلام و شارع مقدس آن برای مسلمین چنین اجتماعی را فراهم آورد و بهره برداری از آن اجتماع را برای تحقق مهمترین عامل اعتلاء مسلمین یعنی ایجاد وحدت و تفرقه زدائی منظور نکرده باشد در حالیکه اتحاد و وحدت عظیمترین نفعی است برای مسلمین که میتوانند در حج شاهد آن باشند!

«... و این وحدت که اسلام شریف لا یران کریم

بر آن پافشاری کرده اند با دعوت و تبلیغ دامنه دار بایند

بوجود آید و مرکز این دعوت و تبلیغ مکه معظمه در زمان

اجتماع مسلمین برای فریضه حج است...».

(پیام امام بناسبت عید قربان - ۶۲/۶/۱۲).

در حدیث آمده است که «حجر الاسود» دست خداست در روی زمین که مسلمین بوسیله اسلام آن را خداوند بیعت میکنند و پیمان می‌بندند و امام این پیمان را چنین تفسیر می‌کنند:

«... و با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه

پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت

بستید و از تفرق و تنازع بپرهیزید» و لاتنازعوا فتشولوا



## عموم برادران و خواهران اسلامی باید توجه داشته باشند که یکی از مهمات فلسفه حج ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است.

امام خمینی

بیدار اسلام دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند مسلمین باید بد واحد بر ماسوايشان باشند .... ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ربکم ...»

(از بیانات امام در دیدار با گروهی از حجاج پاکستان. ۵۹/۸/۱۶).

چرا که همه علماء بیدار و دانشمندان دلسوز اسلام به روشنی به این حقیقت پی برده اند که حکومت‌های باطل در شرائط تفرقه مسلمین به وجود آمده اند و تا زمانیکه این تفرقه بوده است این حکومتها نیز بوده اند و آنگاه که مسلمین متحد شده اند حتی در بخش کوچکی از مناطق اسلامی در همان منطقه بساط این حکومتها بر چیده شده است و امام به یک تجربه عملی و مثال عینی برای اثبات این حقیقت استدلال می کنند تا شاید موجب بیداری مسلمین شود:

«آن چیزی که آنها میخواهند این است که مسلمین متفرق باشند و آنها بر مسلمین حکومت کنند... لیکن می بینند که اگر یک میلیارد مسلم با هم مجتمع بشود و آن معنایی که در سی و پنج میلیون جمعیت ایران تحقق پیدا کرد و به آنها ضربه زد - آنچنان ضربه ای که تا آخر سر خودشان را نمی توانند بلند کنند - اگر در یک میلیارد جمعیت مسلمین تحقق پیدا کند چه خواهد شد...»

(از بیانات امام در دیدار با گروهی از حجاج پاکستان. ۵۹/۸/۱۶).

برای اینکه عوامل تفرقه انگیز از همین سخن که برای وحدت و دعوت به اتحاد است سوء استفاده نکنند و نگویند که مقصود از دعوت به وحدت برداشتن مرزهای بین کشورهای اسلامی و ایجاد یک جمهوری در تمام کشورها است و تحمیل رهبری ایران بر سایر بلاد اسلامی است و این خود دخالت در امور داخلی سایر کشورهاست؛ برای جلوگیری از امثال این وسوسه های شیطانی امام تصریح میکنند:

«و چنانچه مسلمین که جمعیت بسیار کثیری هستند - شاید تعداد آنها بیش از یک میلیارد باشد - و خزائن بسیار دارند. با حفظ مرزهای خودشان با هم اتحاد پیدا کنند و قلب هایشان با هم متحد بشود احتیاج به هیچ کشوری ندارند و همه کشورها تقریباً به آنها محتاج هستند...»

(از بیانات امام در دیدار با افسران نیروهای سه گانه ارتش پاکستان. ۵۸/۹/۳).

سلاح نوصبه می کنند و هر جا که دردها و مصائب و بدبختی های جهان اسلام را برمی شمارند برای چاره آنها به وحدت سفارش می کنند:

«امروز چاره چیست و برای شکستن این بتها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می باشد؟ یک چاره که اساس چاره هاست و ریشه این گرفتاریها را قطع می کند و فساد را از بین می سوزاند وحدت مسلمانان بلکه تمامی مستضعفان و دریند کشیده شدگان جهان است...»

(پیام امام بمناسبت عید قربان. ۶۲/۶/۱۲).

امام خمینی آنقدر بر ضرورت وحدت درین مسلمین و دولت‌های آنان تاکید نموده و مینماید که اگر درباره هدف و انگیزه نهضت بگوئیم که برای وحدت بین مسلمین و تفرقه زدائی قیام کرده است، سخنی به صواب گفته ایم. امام در مجموعه سخنان و پیامهايشان بیش از هر موضوعی بر مسئله وحدت تکیه کرده و نوصبه نموده اند و عوامل تفرقه را معرفی و افشاء ساخته اند و بهانه های اختلاف و تفرقه را که دشمنان از آنها برای جلوگیری از اتحاد مسلمین استفاده میکنند بیان کرده اند و تا آنجا که برای ما قابل جستجو بوده است امام بیش از دهها بار بر مسئله وحدت انگشت گذاشته و سفارش نموده اند.

«هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران بیپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن بخواست خداوند قادر قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است...»

(پیام امام به زائران بیت الله. ۶۰/۶/۱۵).

نه تنها امام که در زمره دانشمندان برجسته و نامدار تاریخ اسلامند بلکه از صدر تاریخ اسلام تا کنون تمامی علماء بیداره پیروی از پیامبر عظیم الشان اسلام منادی وحدت و اتحاد بوده اند.

«عقلاء و علماء اسلام از صدر اسلام تا کنون کوشش کردند تا اینکه مسلمین همه باهم مجتمع باشند و همه بر غیر مسلمین بد واحد باشند. در هر جا که مسلمی پیدا بشود باید با سایر مسلمین تفاهم کنند و این مطلبی است که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم سفارش کرده است و پیغمبر اکرم «ص» سفارش فرموده است و آمده مسلمین علیهم السلام سفارش فرموده اند و علماء



# مکه مکرمه را با هماهنگی زائران سراسر جهان به کانون فریاد علیه ستمگران تبدیل کنید که یکی از اسرار حج است.

امام خمینی

باشند؟!...».

(از بیانات امام در دیدار با گروهی از حجاج پاکستان - ۵۹/۸/۱۶).

«... و در وقتی که مسلمانان بیشتر از هر زمان احتیاج به وحدت کلمه دارند سادات این نوکر خیانتکار آمریکا و دوست و برادر بگین و شاه مخلوع معدوم و صدام آن خادم سرسپرده آمریکا دست به تفرقه افکنی مسلمانان زده اند و از هیچ جنایاتی در این راه که ارباب جنایتکارشان امر نموده است فروگذار نمی کنند... مسلمین باید به خیانت این سرسپردگان آمریکا به اسلام و مسلمین توجه داشته باشند».

(پیام امام به زائران بیت الله - ۵۹/۶/۲۱).

## نقش قدرتهای استکباری در تفرقه مسلمین

امام که دولتها را منشاء اختلاف و تفرقه معرفی میکنند، به این نکته مهم هم اشاره دارند که این دولتها چون نوکر اجانب و دشمنان اسلامند منشاء اختلافند زیرا دشمنان اسلام میدانند که قدرت مسلمین در اتحاد آنهاست و اگر مسلمین قدرتمند شوند استکبار و قدرتهای شیطانیه در برابر قدرت اسلام و مسلمین ذلیل و خوار خواهند بود؛ از اینرو قدرت خود را در ضعف مسلمین دیده اند و ضعف مسلمین هم در اختلاف و تفرقه آنان است و این فتنه را با دست نوکرانشان یعنی دولتهای دست نشانده و وابسته در کشورهای اسلامی بر پا ساخته اند:

«... و این نقشه بعد از جنگ عمومی کشیده شد.

قدرت اسلام را دیدند و دولتهای اسلامی را از هم جدا کردند و مسلمین را با هم مخالف کردند و دولتهای اسلامی با هم دشمن شدند».

در مسئله حادی که بنام اسرائیل بصورت یک فتنه خطرناک برای جهان اسلام پیش آمده است وقتی دقت می کنیم می بینیم همه مسلمانان بحسب اعتقاد مخالف وجود اسرائیل و غصب فلسطین و مسجد اقصی قبله اول مسلمینند و برای نابود کردن اسرائیل هم امکانات و شرایط لازم را دارند ولیکن فلسطین نه تنها روه آزادی نیست بلکه روزه روز درهای آزادی به روی آن یکی پس از دیگری بسته میشود چرا که عامل اصلی اشغال فلسطین همچنان بقوت خود باقی است:

«... این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که

مشکله فلسطین را بوجود آورده و نمی گذارد حل شود

و در همین کلام امام به وسوسه گرائی پاسخ میدهند که ممکن است بگویند اگر هدف اتحاد است و نه چیز دیگر امروز سازمانها و شووها و کنفرانسهای بین رؤسای کشورهای اسلامی و سایر مسئولین این کشورها و یا کشورهای عربی این اتحاد وجود دارد پس از اینجهت مشکلی نیست همه با هم اجتماع می کنند و قطعنامه و بیانیه صادر می نمایند امام با اضافه نمودن این جمله که «قلب هایشان با هم متحد نشود...» بی اساس بودن این مجامع را روشن میکنند زیرا که این اجتماعات نه برای رسیدن به یک هدف است و آن نجات کشورهای اسلامی بلکه در این اجتماعات هریک بدنبال هدفی جدای از اهداف دیگران می روند، بنام اسلام اجتماع می کنند و در همان حال یکی با اسرائیل رابطه پنهانی دارد و دیگری با آمریکا علیه مسلمین وارد مذاکره و عقد قرارداد میشود و سومی هدفهای شوروی را تعقیب می کند یکی به جناحی از جناحهای داخل نظام آمریکا وابسته است و از منافع آن دفاع می کند و دیگری به جناح مقابل مرتبط است و مدافع منافع آن.

## عوامل تفرقه

برای ایجاد وحدت و اتحاد بین مسلمین و برای اینکه حج این نقش وحدت آفرین خود را ایفاء نماید باید عوامل تفرقه و از هم پاشیدگی مسلمین را شناخت تا بتوان در پرتو مبارزه با آن عوامل خصوصاً در ایام حج و در پناه خانه خدا که سبیل وحدت است به مقصود یعنی اتحاد مسلمین رسید. امام دو عامل را معرفی میکنند و بر یکی از آن دو عامل سخت پافشاری دارند که آن را به مسلمین بشناسانند.

یک: سران فاسد کشورهای اسلامی و دربارهاست.

دو: که مهمترین نیز هست آخوندهای درباری و وعاظ السلاطین و به تعبیر دیگر یکی زور و دیگری ترو پرور و روشن است که عامل زرد لجنزار همان دو عامل زور و ترو پرور متولد شده و امکان رشد می یابد.

«مسلمانان جهان باید این تفرقه افکن ها را بشناسند و

توطئه پلید آنان را خنثی کنند».

(پیام امام به زائران بیت الله - ۵۹/۶/۲۱).

## دولتها و سران کشورهای اسلامی

«یکی از بزرگترین و اساسی ترین مشکلات عدم اتحاد بین مسلمین است که بعضی از به اصطلاح سران کشورهای اسلامی منشاء آن می باشند...».

(پیام امام به زائران بیت الله - ۶۰/۶/۱۵).

«چرا باید دولتهای اسلامی اینطور از هم منفصل و جدا



# باید مراسم عظیم حج بصورت کانونی خروشان و دریائی مواج و طوفان آفرین در برابر تمام توطئه‌های شرک آمیز و تفرقه گر درآید.

آیه الله العظمی منتظری

آن آخوند احمقی که در چنین مقطع از زمان به بعضی مقدسات شیعه جسارت میکند درصدد این است که در مقابل او هم یک کسی پیدا بشود، آن هم یک چیزی بگوید و موجب بشود که در بین مسلمین در چنین مقطع از زمانی که دارد وحدت ایجاد میشود، اختلاف ایجاد بشود...»

(از بیانات امام در دیدار با مسئولین کشور در عید قربان ۶۳/۶/۱۵).

## خطر روحانی نمایان

امام در ضمن معرفی این عامل خطرناک تفرقه انگیز به یک نکته مهم در ارتباط با شیوه عمل این عامل اشاره میکند و آن اینکه این «آخوندهای بسیار ناپهیم و با بسیار مودی» در سر راه یک حرکت اسلامی-انقلابی فرار می گیرند و نسبت به مسائلی که عنصر انقلابی در حال حرکت به آنها وابستگی اعتقادی دارد مطالبی را مطرح می کنند که آن عنصر انقلابی ناخود آگاه و یا ناگزیر در مقام پاسخگویی و عکس العمل برمی آید که اولین زیان این عکس العمل بازماندن از ادامه حرکت است و زیان دومش اصلی شدن مسائل فرعی است زیرا که عوامل تفرقه هرگز مسائل اصلی را مطرح نمی سازند چرا که در طرح مسائل اصلی به سرعت مشت آنان باز شده و شناخته میشوند ولیکن زیان مهمتر از دو زیان مورد اشاره، اختلاف و تفرقه ای است که ایجاد میشود زیرا طبیعی است یک گروه در حال انقلاب و مبارزه علی رغم توافق و اتفاق بر اصول در مسائل فرعی اختلاف نظر داشته باشند ولیکن خطر آنگاه انقلاب را تهدید می کند که این نیروهای انقلابی بر سر این اختلاف در فروع اصول را قربانی کنند و بجای مبارزه با دشمن مشترک یعنی دشمن اصول مورد اتفاق به مبارزه و درگیری با یکدیگر برخیزند و آن «آخوندهای بسیار مودی» همین هدف را تعقیب میکنند؛ هدف شکستن وحدت مسلمین هدف خدمت به استعمار و خدمت به قدرتهای بزرگ.

و همیشه رهبران بزرگ که در برابر همه دشمنان اسلام و انقلاب چون کوهها محکم و استوار بوده اند و همه طوفانها و زلزله ها و زلزلها و زلزلها و زلزلها را در مسیر انقلاب پشت سر گذاشته اند در برابر این فتنه یعنی فتنه اختلاف و تفرقه خصوصاً از ناحیه روحانی نمایان بخود لرزیده اند و برای انقلاب و ره آوردهای آن احساس خطر جدی کرده اند و برای مبارزه با آن با این بیان استمداد می کنند:

«... واقعاً اسلام با این طرز فکرها، با این طرز عملها چه کند؟ اسلام با این آخوندهائی که خودشان را به صورت یک روحانی درآورده اند و در بین مردم پخش هستند چه کنند؟ این گرفتاری است که در چنین

اگر هفتصد میلیون مسلمان با این کشورهای عریض و طویل رشد سیاسی داشتند و با هم متحد و متشکل شده در صف واحد قرار می گرفتند برای دولتهای بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند تا چه رسد به مشتی یهود که از عمال استعمارند».

(پیام امام به زائران بیت الله بهمن ۱۳۴۹).

امام نه تنها مشکله فلسطین را معلول اختلاف سران کشورهای اسلامی میدانند که این یکی از مصائب و فتنه های جهان اسلام است هر چند که مصیبت و درد بزرگی است بلکه همه بدبختی ها را معلول همین اختلاف سران میدانند:

«... آیا میدانید که تمام بدبختی های شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالتیجه بین خود شماست»

## آخوندهای دریاری

گفتیم که عامل اختلاف دو چیز است یکی زور و دیگری تزویر، و با تعبیر دیگر: عامل سیاسی و عامل فرهنگی. و اشاره کردیم که چرا نامی از عامل زور و یا عامل اقتصادی در کلام امام برده نشده است و گفتیم که چون عامل اقتصادی و یا «زور» در لجنزار و فضای آلوده مابین آن دو عامل زور و تزویر شکل می گیرد و رشد می کند برای آن نقش فرعی و تبعی معتقدیم برخلاف اندیشه ای که اقتصاد را زیر بنا و دارای نقش اصلی میدانند و فرهنگ و سیاست را زائیده و روضای عامل اقتصادی می دانند ولیکن قبل از پرداختن به نقش عامل تزویر و یا عامل فرهنگی در ایجاد اختلاف و تفرقه و جلوگیری از پیدایش اتحاد باید اشاره کرد که عامل زور نیز چهره دیگری از عامل تزویر است و عبارت دیگر آن روی سگه است!

انسان پیش از آنکه زور پذیر شود منطقی پذیر است اگر بخواهند به آسانی زور را تحمیل کنند ابتدا باید در ذهن و فکر و اندیشه او زمینه و آمادگی پذیرش آنرا فراهم کنند که در غیر این صورت در برابر زور مقابله و مقاومت خواهد کرد پس ابتدا انسان را تحمیل می کنند تا باطلی را بوی تحمیل کنند و شیطان نیز برای تحمیل باطل خود به «آدم» ابتدا با استدلال ذهن و فکر او را آماده کرد و بی جهت نیست که در کلام امام که خواهیم آورد لحن و آهنگ برخاست نسبت به این عامل یعنی عنصر تزویر با لحن و آهنگ برخورد با عامل اول بسیار متفاوت است یعنی امام نیز اهتیت را به این عامل دوم میدهند:

«... گر چه مع الاسف بعضی از آخوندهای بسیار ناپهیم یا بسیار مودی در همین مقطع از زمان شروع کردند به نوشتن چیزهائی و پخش کردن رساله هائی ...»



**ای مسلمانان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملتها پرخاش کنید.**  
امام خمینی

اجمعین و به پیروی و جانشینی از آنان علماء الهی هستند اساس ضلالت و منبع اصلی آن شیطان و علماء سوء و همین آخوندهای درباری اند همانطور که در قرب به ساحت قدس ربوبی پس از انبیاء و ائمه علیهم السلام علماء ربانی قرار دارند در قرب به شیطان و اتصاف به صفات شیطانی باخوندهای فاسد نزدیکتر و شیطانی ترند.

«مسلمانان در مواقف و مراسم این عبادت، ... لازم است با هوشیاری مراقب اعمال ضداسلامی و قرآنی این عمال خبیث و آخوندهای نفاق افکن باشند و آنان را که با نصیحت به اسلام و منافع مسلمین واقعی نخواهند گذاشت، از خود برانند که اینان از طاغوتیان شیطانترو پست ترند» ...

(پیام امام بمناسبت حج - سال ۱۳۵۷).

امام در برخی موارد از این آخوندهای بسیار مودی که از طاغوتیان شیطان ترو پست ترند با وصف «وفاط السلاطین» یاد می کند که قابل تأمل است و بحق درخور عمل و شأن همان آخوندها هم هست زیرا آن روحانی نمائی که دعوت به اختلاف می کند، واعظی است که از طرف سلاطین جور سخن می گوید؛ او به نفع سلاطین مردم را موعظه می کند و بندواند رزمی دهد؛ او مردم را از قهر سلاطین می ترساند و به لعف آنان وعده می دهد؛ او از طرف خدای عالم و شارع مقدس اسلام سخن نمی گوید و برای حفظ اسلام به مبارزه با سلاطین و اربابان آنان دعوت نمی کند و خود را قلعه ای محکم برای حفظ حرمت های اسلام نمی داند که اینها صفات آن دسته از علمائی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره آنان فرمود:

«اللفهاء امناء الرسل ما لم يدخلوا فی الدنيا. قبل یا رسول الله: و ما دخلوهم فی الدنيا؟ قال: أتباع السلطان فاذا فعلوا ذلك فاحذروهم علی دینکم».

و یا سید الشهداء - حسین بن علی علیه السلام درباره آنان می فرماید: «مجازی الامور و الاحکام علی ایدی العلماء یا لله الأئمة علی حلاله و حرامه ...».

و یا امام موسی بن جعفر علیه السلام میفرماید: «... لأن المؤمنین الفقهاء حصون الاسلام كحصن سور المدينة لها».

اینها شأن علماء ربانی و رسالت و مسئولیت آنان است و انا آن آخوند درباری که رسول گرامی فرمود: بترسید از آنان بر دین خود، او حتی کفر و شرک و نفاق را بر اسلام و کفار و مشرکین و منافقین را بر مسلمین ترجیح می دهد و بالا تر آنکه سرکوبی آنان را نیز لازم می داند و حتی لازمتر از مبارزه با سرمداران کفر.

بقیه در صفحه ۴۲

موقعی که مسلمین دارند فکرمی کنند او به عنوان اینکه من دیدم که بعضی از جوانها متمایل به این اجتماع شدند متمایل به ایران شدند تکلیف دیدم که بگویم اینها مشرکند، اینها مجوسند، اینها چطورند و به بعضی مقدمات جسارت کردند. این جز خدمت باستعمار است؟!، خدمت به قدرتهای بزرگ است و کار شکنی برای اسلام و مسلمین است؟! ما باید برای این مسائل فکر کنیم. مسلمان ها باید برای این مسائل و این اشخاصیکه اینطور در صدد شکستن وحدت مسلمینند فکر کنند».

(از بیانات امام در دیدار با مسئولین کشور در عید فریاد ۶۳/۶/۱۵).

امام در معرفی این جبهه نفاق افکن یعنی آخوندهای بسیار مودی و روحانی نعا، در مواردی به یک خصیصه اینان اشاره می کنند که شاید سز انحراف آنان همین خصیصه باشد و آن عبارت است از دنیا گرایی و وابستگی به دربارها و سلاطین یعنی سبلهای زور و زر. روحانی آنگاه از مسیر اسلام و خدمت به مستضعفین منحرف میشود که در او انگیزهای رفاه طلبی پیدا شده و رشد می نماید، انگیزه دنیا زدگی و به رنگ اهل دنیا شدن و لباس زهد و تقوی را از تن به در کردن و به زنی اشرف و دنیا پرستان درآمدن و ارتباط و پیوند زندگی و معاشرت با قشر متوسط و محروم جامعه را قطع کردن انحراف از همینجا شروع میشود انحراف به جهت توجیه زندگی و رفاه طلبی و تجمل پرستی خود، انحراف به جهت دفاع از منافع آن گروهی که خود را وابسته به آنان می بیند و رسول اکرم (ص) علماء را امانتداران انبیاء می دانند تا زمانی که داخل در دنیا نشده اند: ما لم يدخلوا فی الدنيا قبل یا رسول الله و ما دخلوهم فی الدنيا قال اتباع السلطان فاذا فعلوا ذلك فاحذروهم علی دینکم».

«... و هماهنگ خروشیدن بر دشمن مشترک که دشمن اسلام عزیز است و ... و با تفرقه افکنی و نفاق پراکنی می خواهد این مانع ملموس را از سر راه خود بردارد و عمال مزدور آنان که در رأس آنها آخوندهای حسود دنیا گرای درباری اند و در هر جا و هر وقت خصوصاً در ایام حج و مراسم الهی آن مأمور اجرای این مقاصد شوم می باشند».

(پیام امام بمناسبت حج - سال ۱۳۵۷).

و اگر عمیقاً به مسئله نگاه کنیم خواهیم دید همانطور که اساس هدایت و سرچشمه اصلی آن انبیاء عظام و اوصیاء طاهرین آنان صلوات الله علیهم





## مسلمین باید در حج وقتیکه میروند یک حج زنده، یک حج کوبنده، یک حجی که محکوم کننده این شوروی جنایتکار و آن آمریکای جنایتکار باشد انجام دهند، یک چنین حجی مقبول است.

امام خمینی

- ۱۳- سوره صافات آیه ۹۹ و ۹۸.  
 ۱۴- الأتقان سیوطی جلد ۱ ص ۷۱.  
 ۱۵- سوره عنکبوت آیه ۲۶.  
 ۱۶- بحار جلد ۹۷ ص ۴۰۳-۳۹۵- المزار الکبیر ص ۳۴- معجم البلدان جلد ۱ ص ۴۹۲- الکافی جلد ۳ ص ۴۹۵- المستدرک باب ۳۶.  
 ۱۷- سوره صافات آیات ۸۴-۸۳.  
 ۱۸- مفاتیح الجنان ص ۷۱۹.  
 ۱۹- الفقه ص ۶۱- محبته البيضاء جلد ۲ ص ۱۵۸: امام باقر(ع) به ابوحمزه ثمالی فرمودند: مساجد اربعه عبارت اند: مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد بیت المقدس، مسجد کوفه و به همین مضمون در امامی طوسی جلد ۱ ص ۳۷۹ و بحار جلد ۹۹ ص ۳۷۰ نقل شده است.  
 ۲۰- مفاتیح الجنان ص ۷۰۴.  
 ۲۱- در کتاب الفقه ص ۶۲ باب فضل المساجد من کتاب الصلوة والمحبته البيضاء جلد ۲ ص ۱۵۹ آمده است: روزی امیرالمؤمنین(ع) در اجتماع مسجد کوفه فرمودند: «اهل کوفه چقدر خداوند شما را دوست داشته که چنین فضیلتی برای مصلاتی شما قرار داده است. در این مسجد خانه آدم و خانه نوح و خانه ادریس و مصلاتی ابراهیم خلیل و مصلاتی برادریم خضر و مصلاتی من است و این مسجد شما یکی از مساجد چهارگانه است که خداوند تعالی آن را برای اهلیش برگزیده. یا خواندن نماز در آن بغضا تقرب جوئید.  
 ۲۲- مشهور است که وقتی امام حسین(ع) به این سرزمین رسیدند از نام آن پرسیدند، گفت شد: که نام آن کربلا است، امام فرمودند: خدایا پناه می برم بتو کرب و بولایتی فی رحمت الله اهل بیت جلد ۳ ص ۱۰۱.  
 ۲۳- در روایتی، آیه ۳۰ سوره قصص، شاطی الوادالایمن به شط فرات و البقعة المبارکة به کربلا تعبیر شده که به علت ضعف روایت از ذکر آن خودداری من شود: سقیته جلد ۱ ص ۴۷۵ و تهلیب- تفسیر نورالثقلین جلد ۱ ص ۱۲۷، تفسیر صافی جلد ۴ ص ۸۹.  
 ۲۴- پیام حسین(ع) دکتر سید جعفر شهیدی ص ۱۶۰.  
 ۲۵- اعلام قرآن ص ۲۳۹.  
 ۲۶- قاموس کتاب مقدس ص ۵۹۲- اليهود فی القرآن الکریم: عطف طباره ص ۱۰.  
 ۲۷- تورات پیدایش ۱۰: ۱۰ و ۱۱: ۲.  
 ۲۸- قاموس کتاب مقدس ص ۱۵۱.  
 ۲۹- تاریخ طبری جلد ۱ ص ۱۷۲.  
 ۳۰- اعلام قرآن ص ۲۳۹.  
 ۳۱- سوره بقره ۲۵۸.  
 ۳۲- باستانشناسی کتاب مقدس دکتر جان الدر ۴۲.  
 ۳۳- به نقل و اقتباس از کتاب روضه کافیه و بحار جلد ۱۲ ص ۴۷- ۴۴ و قصص الأنبیاء ابواسحق نیشابوری ص ۶۲- ۶۰ و تفسیر المیزان جلد ۷ ص ۲۳۱- ۲۲۹.  
 ۳۴- گرچه این نسبت دروغ یا توریه به حضرت ابراهیم(ع) در کتب اهل سنت مانند صحیح بخاری و مسلم نیز آمده اما در اخبار ائمه(ع) ابراهیم(ع) اجدل از این نسبت دروغ دانسته شده است (رجوع شود به تفسیر المیزان جلد ۷ ص ۲۲۹- ۲۲۶).  
 ۳۵- راویان عرب هاجر را شاهزاده می دانند و در مدراس تکوین ریح ۴۵: ۲ آمده است که: «شاه مصر دختر خود را به ساره تقدیم می دارد و می گوید خدمتگزاری ساره برای وی بهتر از خدمت روانی در خانه سلطنت است» متأسفانه نویسندگان تورات تحریف شده با روح زاهدی و سودبرتری فومی سعی فرستند هاجر و اسماعیل داشته، در سفر پیدایش ۲۱: ۱۳- ۱۹ روزی که اسحق از شیرباز داشتند ابراهیم ضیافتی عظیم کرد آنگاه ساره پسر هاجر مصری را که از ابراهیم زانیده بود دید که خنده می کند، پس به ابراهیم گفت این کنیز را با پسرش بیرون کن، زیرا که پسر کنیز با پسر من اسحق وارث نخواهد بود... خدا به ابراهیم گفت سخن او را بشنو زیرا که درنت تراز اسحق خوانده خواهد شد و از پسر کنیز نیز امتی بوجود آورد زیرا که او نسل تو است»  
 ۳۶- تفسیر سوره اعراف دکتر محمد السهی ص ۷۴.  
 ۳۷- به نقل از باستانشناسی کتاب مقدس ص ۲۴.  
 ۳۸- سوره هود آیه ۷۳.  
 ۳۹- قاموس کتاب مقدس ص ۵.

بغیبه از همراهِ با امام بسوی حج  
 «آیا و غاظ السلاطین... که از مسلمانین جور میبند  
 روی ترند... سرکوبی انقلاب اسلامی ایران را از مخالفت  
 با آمریکا و اسرائیل لازمتر می شمارند؟!»  
 (پیام امام به زائران بیت الله - ۶۰/۶/۱۵).  
 «آن ضروری که اسلام از این آخوندهای دریاری می خورد  
 بدتر از آن ضروری است که از آمریکای خورده برای اینکه  
 اینها با یک ظاهر اسلامی، اسلام را منزوی می کنند و  
 آمریکا این کار را نمی تواند بکند آمریکا اینها را وادار  
 می کند».  
 (از بیانات امام در دیدار با روحانیون کاروانها - ۶۲/۵/۲۶).  
 اسلام با نوزائیتی که دارد اگر آنجنانکه هست تبلیغ شود وجدانهای پاک و

انسانهای طالب حق و عدالت و خسته از زندگی اربابان زور و زور و زور می پذیرند و اگر تبلیغ نشود همچنان زمینه تبلیغ باقی می ماند چرا که هیچ چیز جایگزین آن نمی شود ولیکن اگر اسلام فحرفکت تبلیغ گردید و افرادی بنام اسلام، غیر اسلام را تبلیغ کردند وظلمت را بجای نور به ملتها عرضه نمودند در حقیقت علیه اسلام تبلیغ کرده اند و اسلام را منزوی نموده اند و پذیرفتن اسلام حقیقی برای این ملتها بسیار مشکلتر است از آنکه اگر با چنین اسلام تحریف شده ای از آغاز آشنائی شدند. در اینجا لازم است به یک نکته توجه شود و آن اینکه هر چند در کلام امام از عامل دوم یعنی عامل تزویر که نقش مخرب و تفرقه افکنی را بر عهده دارد با نام آخوند دریاری و غاظ السلاطین و... یاد شده است ولیکن این خیانت در انحصار این فشر نیست بلکه کلیه دانشمندان و فیلسوفان و جامعه شناسان و هنرمندان و نویسندگان و شاعران و سایر گروههای فرهنگی که وابسته به سلاطین و دربارها و کاخها و قدرتهای ضد مردمی هستند از همین گروه دوم یعنی عامل تزویر محسوب می شوند یعنی همه این دستجات به نوعی و غاظ السلاطینند که باید شناخته شوند و شناسانده شوند تا مردم قریب آنان را نخورند.